

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاقیت و تفکر انتقادی

مؤلف:

کبری بشیر

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

سرشناسه: بشیر، کبری، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور: خلاقیت و تفکر انتقادی/مؤلف کبری بشیر.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۹۶ص.: جدول.
شابک: ۷۸۰۰۰۰ ریال ۲-۸۴۳-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۰-۱۹۷].
موضوع: خلاقیت Creative ability
تفکر انتقادی Critical thinking
رده بندی کنگره: BF۴۰۸
رده بندی دیویی: ۱۵۳/۳۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۶۷۰۵۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: خلاقیت و تفکر انتقادی
مؤلف: کبری بشیر
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
چاپ: زبرجد
قیمت: ۷۸۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۲-۸۴۳-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

مقدمه..... ۱۱

فصل اول

خلاقیت

چیستی مفهوم خلاقیت و اهمیت آن..... ۱۵

خلاقیت از دید متفرکان بزرگ جهان چه معنایی دارد؟..... ۱۸

مفاهیم خلاقیت..... ۳۲

انواع خلاقیت..... ۳۷

۱- خلاقیت کلامی..... ۳۷

۲- خلاقیت مکانیکی..... ۳۷

۴- خلاقیت تجسمی..... ۳۸

۵- خلاقیت فردی کوچک..... ۳۸

منابع ایجاد خلاقیت..... ۳۹

۱- انرژی و انواع خلاقیت..... ۳۹

۲- نگاه متفاوت..... ۳۹

۳- آگاه و هوشیار..... ۴۰

۴- ارزش گذاشتن به تجربیات خود..... ۴۰

فرآیند خلاقیت..... ۴۱

خلاقیت و نوآوری..... ۴۴

ویژگی‌های افراد اخلاق..... ۴۶

خلاقیت به عنوان یک مهارت..... ۴۸

مهارت‌های خلاقیت..... ۴۹

ایجاد ارتباطات..... ۵۰

سؤال پرسیدن..... ۵۰

مشاهدات..... ۵۰

شبکه‌سازی..... ۵۱

- آزمایش کردن: ۵۱
- مهارت های افزایش خلاقیت ۵۱
- تکنیک های کاربردی افزایش خلاقیت ۵۴
- ۷- به دنبال منابع الهام بخش باشید ۶۶
- ۸- تکنیک گلوله برفی را امتحان کنید ۶۷
- ۹- یک زبان خارجی جدید یاد بگیرید ۶۷
- ۱۱- تمرین یوگا را در برنامه‌ی روزانه خود بگنجانید ۶۸

فصل دوم

تفکر انتقادی

- آشنایی با اصطلاحات پایه تفکر انتقادی ۶۹
- یکی از راه‌های شناخت معنی تفکر انتقادی، از راه معنی کردن واژه‌های سازنده آن یعنی (تفکر و انتقاد) است. ۶۹
- الف. تفکر به چه معنی است؟ ۶۹
- نقد و انتقاد ۶۹
- تفکر انتقادی چیست؟ و چرا مهم است؟ ۷۰
۱. کنجکاوی را برمی‌انگیزد ۷۸
۲. خلاقیت را تقویت می‌کند ۷۹
- چطور می‌توان تفکر انتقادی را پرورش داد؟ ۸۱
- مهارت های اساسی تفکر انتقادی ۸۶
- جنبه های تفکر انتقادی ۸۸
- راههای تقویت تفکر انتقادی ۹۰
- ویژگی های تفکر انتقادی ۹۲
- مزایای داشتن تفکر نقادانه ۹۳
- ویژگی افرادی که دارای تفکر انتقادی هستند ۹۴
- ۱- مشاهده ۹۴
- ۲- کنجکاوی ۹۴
- ۳- عینیت گرایی ۹۴
- ۴- درون اندیشی ۹۵

۹۵	۵- تفکر تحلیلی.....
۹۵	۶- شناسایی تعصبات.....
۹۶	۷- تعیین ارتباط.....
۹۶	۸- استدلال.....
۹۶	۹- ترحم و همدردی.....
۹۷	۱۰- فروتنی.....
۹۷	۱۱- ترجیح به تغییر وضعیت فعلی.....
۹۷	۱۲- باز بودن ذهنیت.....
۹۸	۱۳- آگاهی از اشتباهات رایج تفکری.....
۹۸	۱۴- تفکر خلاقانه.....
۹۸	۱۵- برقراری ارتباط موثر.....
۹۹	۱۶- شنوندگان فعال.....
۹۹	اصول تفکر انتقادی.....
۱۰۰	فرآیند تفکر انتقادی.....
۱۰۰	آسیب‌ها و آفت‌های موجود در مسیر تفکر انتقادی.....
۱۰۱	موانع تفکر انتقادی.....

فصل سوم

مکاتب و نظریه‌های تفکر انتقادی

۱۰۴	آشنایی با مکتب و نظرات جان دیویی.....
۱۰۵	دیدگاه روان‌شناختی جان دیویی.....
۱۰۶	دیدگاه‌های تربیتی جان دیویی.....
۱۰۷	تفکر انتقادی انیس.....
۱۰۸	ویژگی‌های اصلی تفکر انتقادی.....
۱۰۹	تفکر انتقادی در آموزش.....
۱۰۹	مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی.....
۱۲۳	لیپمن و کاربری تفکر انتقادی در آموزش.....
۱۲۷	ویژگی‌های تفکر انتقادی ریچارد پاول.....

۱۲۷.....	مهارت های تفکر انتقادی.....
۱۲۹.....	تفکر انتقادی از منظر قرآن و روانشناسی.....
۱۳۶.....	مبانی فهم نقد.....
۱۴۵.....	شاخص های تفکر انتقادی.....

فصل چهارم

رابطه بین مهارت های تفکر انتقادی با خلاقیت و پیشرفت

۱۵۳.....	تفاوت تفکر انتقادی و تفکر خلاق.....
۱۵۵.....	تکنیک های خلاقیت و نوآوری.....
۱۵۶.....	روش های ایجاد تفکر خلاق.....
۱۵۸.....	با مهارت تفکر انتقادی چگونه به پیشرفت برسیم؟.....
۱۵۸.....	علاقه نشان دهید.....
۱۵۹.....	هنرمندانه سوال پرسید.....
۱۵۹.....	دو بار گوش کنید، یک بار حرف بزنید.....
۱۶۰.....	توانا بود هر که دانا بود.....
۱۶۲.....	کم کم شروع کنید.....
۱۶۳.....	رویکردهای نظری به خلاقیت.....
۱۶۴.....	نظریه خلاقیت گیلفورد.....
۱۶۸.....	نظریه های مربوط به خلاقیت.....
۱۶۸.....	مکتب روانکاوی.....
۱۶۹.....	تداعی گرایی و رفتار گرایی.....
۱۶۹.....	گشتالت و شناخت گرایی.....
۱۷۰.....	روش های آموزش خلاقیت در شناخت گرایی.....
۱۷۱.....	انسان گرایی.....
۱۷۲.....	مکتب عصب شناختی.....
۱۷۲.....	عناصر خلاقیت.....
۱۷۳.....	مهارت های لازم برای خلاقیت از نظر تورنس.....

فصل پنجم

رابطه بین مهارت های تفکر انتقادی با خلاقیت و هوش

تعریف هوش.....	۱۷۵
انواع هوش.....	۱۷۶
هوش عقلانی (IQ):.....	۱۷۶
هوش هیجانی (EQ):.....	۱۷۶
هوش معنوی (SQ):.....	۱۷۶
انواع هوش از نظر گاردنر.....	۱۷۷
هوش، تفکر انتقادی و خلاقیت.....	۱۸۰
منابع و مآخذ.....	۱۸۹

مقدمه

مدارس ویژه دانش آموزان سرآمد یا تیزهوش، دارای شرایط خاص پذیرش دانش آموز و محیط آموزشی متفاوت نسبت به دانش آموزان مدارس عادی می باشند و چنین عواملی احتمالاً می تواند موجب تفاوت بین ویژگی های روانی دو گروه دانش آموزان شود (استرنبرگ و همکاران، 2011). یکی از عواملی که می تواند در افراد تیزهوش هوش و عادی متفاوت باشد، خلاقیت است. خلاقیت یا آفرینندگی یکی از ویژگی های برتر آدمی است و در عصر حاضر، یکی از مهم ترین اهداف آموزش و پرورش متری و پیشرفته جهان پرورش یادگیرندگان خلاق نوآر است (کاشیها، ۱۳۸۷). تمدن بشر نتیجه خلاقیت و نوآوری های انسان ها است. به عبارتی خلاقیت به نحوی بلامنازع عامل کلیه پیشرفت های بشری است و امکان بروز خلاقیت افراد وقتی مهارت ها و انگیزه خلاقیت در کودکی پرورش یابد، بسیار بیشتر است (دادستان، ۱۳۷۲). بدین ترتیب شاید به جرات بتوان گفت خلاقیت کلید طلایی خوشبختی است. خلاقیت تنها در انحصار افراد «تیزهوش» و با استعداد نیست. آنها استعداد بالقوه بیشتری دارند که راه های خلاق را به کار برند. خلاقیت می تواند و باید جزئی از زندگی همه افراد از جمله افراد تیزهوش و با استعداد باشد. لیکن مهم ترین عامل در خلاقیت، انگیزه برای انجام کارهای خلاق است. استعداد، ویژگی های شخصیتی، و توانش کودکان و نوجوانان، به والدین و مربیان نشان می دهد که آنان چه کاری را می توانند انجام دهند، ولی انگیزه نشان می دهد که چه کاری انجام خواهد شد. انطباق انگیزه ها با استعداد و توانش های فرد در خلاقیت مؤثر است (افروز، ۱۳۸۶). تفکر انتقادی نه تنها به عنوان مهمترین هدف تعلیم و تربیت بلکه از جمله اصلی ترین استانداردهای آموزشی در دنیا به شمار می رود (Wood، 2012) تفکر انتقادی توانایی کنترل داشتن بر تفکر شخص است که شامل توانایی استدلال هوشیارانه خود و دیگران و ارزشیابی می شود و آن

ارزشیابی ها را بر اساس استانداردهای عقلانی جهان شمول (که وضوح، دقت، صحت، ربط، عمق، گستردگی و منطق را در بر می گیرد) انجام دهند (Wiggs ، 2011) & (Wangensteen ، 2010) تفکر انتقادی را تفکری مستدل و تعمدی می داند که بر این که چه چیزی را انجام دهیم یا ندهیم متمرکز است. تحول علوم، انفجاردانش و انقلاب اطلاعاتی دنیای مدرن را با مسائل و مشکلاتی مواجهه ساخته که حل آنها بدون بهره مندی از قوه تفکر امکان پذیر نیست. تفکر جریانی است که در آن فرد تلاش می کند، مشکلی که با آن روبه رو شده است مشخص سازد و با استفاده از تجربیات قبلی خود به حل آن اقدام کند با توجه به شرایط فعلی جهان و پیشرفت تکنولوژی های مختلف به خصوص تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات ممکن است چنین تصور شود که تعلیم و تربیت صرفاً می بایست به طور خاص بر به کارگیری و تربیت کاربران برای استفاده مناسب از این تکنولوژی تمرکز کند اما صرف در اختیار داشتن و استفاده از این تکنولوژی در دنیای تعلیم و تربیت راهگشای انسان امروز و آینده نخواهد بود (Scrven ، 2007) در دنیای فعلی، موضوع اساسی، تربیت انسانهایی است که خوب بیاندیشند. امروزه فراگیران برای روبه رو شدن با تحولات شگفت انگیز قرن بیست و یکم باید به طور فزاینده ای مهارت های تفکر را برای تصمیم گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه کسب کنند (Baker&Rudd ، 2000). از طرفی یکی از ویژگی های اساسی انسان برخورداری از نیروی تفکر است. به عبارت دیگر انسان می تواند از رفتار خود آگاه باشد و در برخورد با مسائل و امور متفاوت از نیروی تفکر خود استفاده کند (Elder & Paul ، 2002) اگر چه علاقه به توسعه توانایی های تفکر انتقادی در محافل آموزشی پدیده ای جدید نیست و منشا چنین علاقه ای به مکتب افلاطون بر می گردد (Parks ، 2009) سقراط در ۲۵۰۰ سال پیش اهمیت پرسش سؤالات عمیق را که موجب می شوند انسان قبل از پذیرش ایده ای به تفکر

در آن پردازد و نیز اهمیت جستجوی شواهد ، آزمایش دقیق، استدلال ، فرضیه ها و تحلیل مفاهیم اساسی را نشان داد . روش او اینک بهترین راهبرد آموزش تفکر انتقادی می باشد. روش سقراط به وسیله افلاطون و ارسطو دنبال شد. برای آنکه نسلی پویا و تلاشگر داشته باشیم، باید شیوه های قضاوت درباره جامعه و تفکر در مورد زندگی خویش و دیگران را بیاموزیم. فکر کردن یک مهارت است و آنها که در زندگی شان به موفقیت های چشمگیری دست یافته اند، سریع و حرفه ای این مهارت را آموخته اند و به کار گرفته اند. با پیشرفت روز افزون دانش و فناوری و جریان گسترده اطلاعات ، مردم نیازمند یادگیری تفکر انتقادی هستند که با استفاده از آن اطلاعات را سازماندهی ، طبقه بندی ، مقایسه و ارزشیابی نمایند و زمینه را برای ارتقا و پیشرفت آن فراهم کنند.

فصل اول

خلاقیت

چیستی مفهوم خلاقیت و اهمیت آن

خلاقیت یا **آفرینندگی** توان ساختن یا خلق نمودن چیزی نو است، خواه راهکاری نو برای حل یک مشکل، یک روش یا یک دستگاه نو، و یا یک شیء یا فرم نو هنری. (Wycof، 1991)

«خلاقیت بشر تعریفی از قابلیت‌های اقتصاد، زندگی، فناوری، صنایع نو، ثروت نو و کلیه چیزهایی است که از یک اقتصاد خوب جریان می‌گیرند. خلاقیت چند وجهی و چند بعدی است. فقط محدود به یک نوآوری فناورانه یا یک مدل کسب‌وکار نوین نیست. چیزی نیست که بتوان آن را در یک جعبه نگه داشت و هنگامی که کسی وارد دفتر کار می‌شود آن را باز نمود. خلاقیت شامل انواع متمایز فکر کردن و عاداتی است که بایستی هم در افراد و هم در جامعه گرداگرد آن‌ها کاشته شود» (Florida، 2002)

خلاقیت مهم‌ترین و اساسی‌ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی‌ترین عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش کاملاً حیاتی ایفا می‌کند. خلاقیت و نوآوری از والاترین ویژگی‌های انسان است. همه علوم، تولیدات، فناوریها، صنایع، ابداعات، اختراعات، هنرها، ادبیات، موسیقی، معماری و به‌طور کلی اساس انواع تمدن‌ها از ابتدا تاکنون و کلیه دستاوردهای بشری، جلوه‌های گوناگون خلاقیت و نوآوری است. تمدن انسانی و زندگی وی بدون خلاقیت امکان‌پذیر نیست. خلاقیت در عربی معادل واژه ابداع است که در زبان فارسی ابداع مترادف خلق

خلاقیت و تفکر انتقادی

(خروجی خلاقیت) است. خلاقیت مفهومی است که تعریف آن در طول زمان تغییر کرده است و پژوهشگران مختلف تعاریف متعددی برای آن ارائه نموده‌اند که البته اشتراک معنایی زیادی دارند. "خلاقیت به عنوان یک فرایند ذهنی تعریف شده است که افراد را قادر می‌سازد تا درباره ایده های نوین و کاربردی فکر کنند" (Gaspersz، 2005).

"خلاقیت معمولاً به عنوان کلید اثر بخشی سازمان و یک الزام برای موفقیت طولانی مدت تعریف شده است" (Amabile، 1999).

خلاقیت یک مهارت ذهنی (پایا) یا یک فرایند (پویا) است که ما را برای ایجاد هرگونه ایده جدید در هر زمینه تجهیز می کند. پس خلاقیت اساساً شاخه دانش یا علم نیست. در عوض، این مهارتی است که ممکن است از طریق روش های مختلف بهبود یابد. تورنس^۱، خلاقیت را به عنوان نوعی مسئله گشایی مد نظر قرار داده است. به نظر وی تفکر خلاق مختصر عبارتست از فرایند حس کردن مسائل یا کاستی های موجود در اطلاعات، فرضیه سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه ها، بازنگری و بازآزمایی آن ها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران. (همان)

خلاقیت شامل تولید چیزی است که هم اصیل و هم ارزشمند باشد و نشأت گرفته از فرایندهای خودآگاه و ناخودآگاه انسان می باشد. از نظر یک دیدگاه علمی محصولات تفکر خلاق گاهی اوقات به تفکر واگرا ارجاع داده می شود. همانند دیگر پدیده ها در علم یک دیدگاه یا تعریف یگانه از خلاقیت وجود ندارد و به طور متنوع به موارد زیر منسوب شده است: فرایند شناختی، محیطی اجتماعی، ویژگی فردی، شانس و همچنین مواردی مانند نبوغ، بیماری های روانی و شوخ طبعی پیوند داده شده است. تعریف مناسب دیگر فرایند فرضیات شکسته است تفکرات خلاق زمانی تولید می شود که شخص پیش فرض ها را کنار

خلاقیت و تفکر انتقادی

گذاشته و یک دیدگاه جدیدی را جستجو کند که دیگران به آن نپرداخته‌اند. خلاقیت نیاز به حضور همزمان تعدادی از ویژگی‌ها از قبیل هوش، پشتکار، غیرمتعارف بودن و توانایی تفکر به سبکی خاص دارد. خلاقیت، خودکار و بدون زحمت و تلاش است و غالباً همچون تصورات ذهنی خودانگیخته به وجود می‌آید. برای آن مراحل طی توسط هلم هولتز و والاس پیشنهاد شده‌است: ۱- آمادگی ۲- دوره نهفتگی ۳- الهام ۴- تحقق. (Gaspersz, 2005)

خلاقیت توانایی تفکر در مورد کار یا مسئله‌ای به روشی جدید یا متفاوت یا توانایی استفاده از تخیل برای تولید ایده‌های جدید است. خلاقیت شما را قادر می‌سازد مشکلات پیچیده‌ای را حل کنید و یا روش‌های جالبی برای رسیدن به وظایف پیدا کنید.

اگر خلاق باشید، از منظر منحصر به فرد به مسائل نگاه می‌کنید. می‌توانید الگوها را پیدا کرده و برای یافتن فرصت‌ها ارتباط برقرار کنید. خطر ابتلا به خلاقیت وجود دارد، اما می‌توانید نشان دهید که خودتان انگیزه دارید که چیزهایی را که قبلاً انجام نشده‌اند، امتحان کنید. (Wycof, 1991)

خلاقیت از ابزارهای مهم توفیق در ابعاد حرفه‌ای و فردی محسوب می‌شود. این حوزه همواره بسیاری از اندیشمندان را مجذوب خود ساخته است. یک فکر جدید و خلاقانه قدرت چشمگیری داشته و حقیقتاً زندگی و رفتار مردم را تحت الشعاع قرار می‌دهد. واقعیت این است که همه ما خواهان آنیم که چه در سطح کلان و یا در سطح حل مسائل روزمره خلاقانه عمل کنیم. هیچکس دوست ندارد دستخوش سرزدگی و یاس شده و یا اینکه موانعی بر سر راهش ظاهر شود. (طباطبایی، ۱۴۰۰)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بشر که موجب شده تا به امروز در هر حیطة و فعالیتی از صنعت و هنر گرفته تا انواع اختراعات و ابداعات پیشرفت کند و به زبان ساده‌تر ویژگی که دنیای بشر را به پیشرفت رسانده است، خلاقیت و نوآوری است. انسان با بالا بردن خلاقیت

خلاقیت و تفکر انتقادی

می‌تواند خود را توان‌تر کند، بر طبیعت با عظمت غالب شود، جهان اسرار آمیز را بشناسد و مسائل و مشکلات حیات خود را حل نماید. از این رو خلاقیت را محور حرکت جهانی قرن حاضر می‌دانند. همه‌ی انسان‌ها خلاق هستند و این خلاقیت در هر فرد مانند استعداد و مهارت‌های ذاتی آن‌ها می‌تواند متفاوت و خاص باشد. در واقع کسی نمی‌تواند ادعا کند خلاق نیست، بلکه باید بگوید راه‌های شکوفایی و کشف و پرورش آن را نیافته است یا به اهمیت آن در زندگی پی نبرده است. خلاقیت موجب می‌شود انسان از حالت رکود و انفعال خارج شده به فردی فعال و موفق تبدیل شود.

خلاقیت از دید متفکران بزرگ جهان چه معنایی دارد؟

واقعیت این است که تا کنون، روان‌شناسان و محققان، برداشت‌های متفاوتی از این واژه داشته و تعاریف متنوعی از آن ارائه کرده‌اند. وجود چنین اختلاف نظری، ناشی از ماهیت پیچیده آن است. برخی در تعریف خلاقیت، گفته‌اند: «خلاقیت، ترکیبی است از قدرت ابتکار، انعطاف‌پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می‌سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول، به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن، رضایت شخصی و احتمالاً خوشنودی دیگران خواهد بود.» (همان)

بنابراین، خلاقیت، یک فرایند ذهنی است که از فرد معینی و در یک زمان مشخص دیده می‌شود؛ فرآیندی که در نتیجه آن، یک اثر جدید - اعم از ایده یا چیزی نو و متفاوت - تولید می‌شود. تولید جدید و متفاوت، می‌تواند کلامی یا غیر کلامی و عینی یا ذهنی باشد. در مطالعه پیرامون خلاقیت، به دو نکته مهم زیر باید توجه داشت:

۱. اول آن که خلاقیت می‌تواند خلق اشکال یا صورت‌های جدیدی از ایده‌ها یا تولیدات کهنه باشد. در این صورت، اغلب فکرها و ایده‌های گذشته، اساس خلاقیت‌های تازه است.

خلاقیت و تفکر انتقادی

۲. دوم این که خلاقیت امری انحصاری است و حاصل تلاش فردی و تنها یک موقعیت یا مسئله عمومی نیست؛ از این رو، فردی ممکن است چیزی را خلق کند که قبلاً هیچ گونه سابقه ذهنی از آن نداشته باشد؛ اگر چه آن چیز به صورت های مشابه یا کاملاً یکسان قبلاً توسط شخص دیگری و در موقعیت خاصی خلق شده باشد. (شریعتمداری، ۱۳۸۵)

خلاقیت، مستلزم بهره گیری از نوع خاصی از جریان فکری است؛ چیزی که یکی از روان شناسان، به نام گیلفورد، آن را «تفکر واگرا» نامید؛ تفکری که به گونه ای متفاوت از جریان عام فکری جامعه، در حل مسائل، نمود پیدا می کند. به عبارت دیگر، فرد خلاق، تمایل دارد که مسائل مختلف را به طرق متفاوت حل کند؛ هر چند در ظاهر، یک راه حل بیشتر برای آن وجود ندارد. با توجه به روشن شدن تعریف خلاقیت، به پاسخ این پرسش می پردازیم که چگونه می توان خلاقیت را توسعه و گسترش داد؛ ولی قبل از آن باید گفت که خلاقیت، امری توسعه پذیر است و همه افراد، از توانایی بالقوه خلاقیت برخوردارند. برای توسعه خلاقیت، به امور زیر توجه کنید:

۱. از آن جا که خلاقیت، امری فردی و شخصی است و هر کسی متناسب با توانایی های فردی و منحصر به فرد، می تواند به توسعه و گسترش آن اقدام نماید، جهت تقویت این امر، باید به سراغ توانایی های فردی و منحصر به فرد رفت و به ارزیابی آن پرداخت.

۲. میزان حساسیت در درک مسائل، نقش مهمی در خلاقیت دارد؛ بنابراین، با افزایش و گسترش دقت و حساسیت در درک مسائل، می توان به توسعه خلاقیت فردی کمک کرد.

۳. بدون شک، آزمایش، تجربه و کنکاش، رابطه مستقیمی با خلاقیت دارند؛ پس برای رشد آن، باید از طریق افزایش تجربه، پژوهش و انجام آزمایش های متنوع و متکثر، اقدام کرد.

خلاقیت و تفکر انتقادی

۴. اندیشه تخیلی، یکی از راه های مؤثر در برانگیختن قدرت خلاقیت محسوب می شود؛ زیرا تخیل، نوعی تفکر آزاد است که ضمن آن، ذهن فرد، متوجه حل یک مسئله واقعی، به گونه ای که در عالم خارج وجود دارد، نمی شود؛ بلکه در تخیل، فرد خارج از قیود و هنجارهای موجود، آزادانه آن چه را که تمایل دارد، در ذهن خود تصور می کند. در چنین شرایطی، فرد، هرگز خود را محدود و محبوس در حصار واقعیت ها و امور مشهود و ملموس نمی کند و فارغ البال، هر آن چه را که دلش می خواهد، تصور می کند. یکی از روان شناسان معاصر، به نام هرلاک^۱، خلاقیت را شکلی از تخیل کنترل شده می داند که منجر به نوعی ابداع و نوآوری می شود. از طرف دیگر، یکی از ویژگی های مشترک میان افراد خلاق که مورد قبول همه روان شناسان و محققان این رشته است، وجود قدرت تخیل فوق العاده، در نزد همه کودکان و بزرگ سالان خلاق است. (همان)

۵. خلاقیت، با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است؛ از این رو، برای رشد و گسترش خلاقیت، برخورداری از اعتماد به نفس، کاملاً ضروری و لازم است. بنابراین، از طریق رشد و تقویت اعتماد به نفس و بهره گرفتن از روش های متداول و مورد توصیه روان شناسان، می توان به توسعه و رشد خلاقیت فردی پرداخت. (افروز، ۱۳۹۶)

۶. خلاقیت از طریق بیان احساسات و برداشت های شخصی، غنی تر و عمیق تر می گردد؛ پس می توان با صحبت کردن درباره تجربه ها و تجزیه و تحلیل های شخصی و در میان گذاشتن نقطه نظرات خود با دیگران، به خصوص صاحب نظران و افراد با تجربه، زمینه گسترش و توسعه خلاقیت را فراهم کرد. در بسیاری موارد، بیان، توصیف و گزارش تجربه شخصی، به درک رابطه پدیده ها منجر می شود و رابطه منطقی آنها کشف می شود و همین امر، به یک نوآوری ختم می شود. (همان)